



جمال شورجه (فیلمساز)

ابوالقاسم طالبی (فیلمساز)

محمد کاسبی (بازیگر)

رسول ملاقلی‌پور (فیلمساز)

شهریار بحرانی (فیلمساز)

رابویش ارجمند (بازیگر)

نادر میرباقری (فیلمساز)

مرتضی شعبانی (استندساز)

پروانه معصومی (بازیگر)

مهدی قلیه (بازیگر)

ابراهیم حاتم‌کیا (فیلمساز)

فرخ‌الله سلحشور (فیلمساز)

هادی محمدیان (ویویاتان)

مجید مجیدی (فیلمساز)

شهید اویینی (فیلمساز)

نادر طالبیان‌زاده (کارگردان)



سعید مستغاثی

بخش پنجاه و نه

اما حاصل سال‌های دولت نهم برای سینمای ایران چه بود؟ نتیجه ساعت‌ها و روزها و ماه‌ها و سال‌ها فعالیت کمیته‌های سینمای کودک و سینمای دفاع مقدس و سینمای کمدی و سینمای اجتماعی و… در بنیاد سینمایی فارابی، چند فیلم تولیدی برای سینمای ایران به بار آورد که می‌توان آنها را به عنوان آثار استاندارد به مخاطب داخلی و خارجی عرضه کرد؟ چند اثر برای کودکان (و نه به قول معروف درباره کودکان!)، چه تعداد فیلم تاریخی و یا فرهنگی به عنوان آینه فرهنگ و ارزش‌ها و اسطوره‌های این سرزمین ساخته شد تا در مقابل هجوم خیل فیلم‌های آن سوی آب‌ها، ما هم حرفی برای گفتن داشته باشیم؟

با کمال تأسف بایستی اذعان داشت که کارنامه بنیاد سینمایی فارابی در سال‌های مورد بحث، حداقل در عرصه‌های مذکور چندان قابل دفاع نیست، پس از ساخت فیلم‌هایی همچون «موتل» (که بنا به گفته تهیه‌کنندگان از آن کمترین حمایت‌های بنیاد فارابی و معاونت سینمایی وقت برخوردار شد) بسیاری از مسئولان سینمایی بر این نکته واقف شدند تولیدات استاندارد عظیم که بتواند در سطح بین‌المللی، تفکرات و آرمان‌های ما را مطرح نماید، محل‌های مناسبی برای اعتلای این سینما به نظر می‌رسند و قرار براین شد که با اختصاص بودجه مناسب و به صورت وام، حداقل ۷ پروژه به همین صورت تولید شود.

متولی و مجری این پروژه‌ها، بنیاد سینمایی فارابی تعیین شد ولی سؤال اینجاست که از آن ایده‌ها، چند پروژه به مرحله تولید رسید؟ آیا قرار نبود یکی از آن آثار، اولین انیمیشن بلند سینمایی ایران باشد که بازارهای جهانی را تسخیر کند؟

سینمای اقتباسی همچنان در محاق

اقتباس از ادبیات از دیگر مقولاتی بود که همچنان در تولیدات سینمای ایران مغفول باقی ماند و به جز چند جرقه محدود و معدود، هیچ جریانی برای نضج این مقوله برنگیخته نشد، نعلی‌غرم اینکه گفته می‌شود در بنیاد سینمایی فارابی گروهی برای حمایت از این قصبه تشکیل شد و اقداماتی نیز صورت گرفت ولی حداقل اینکه نتیجه‌ای از آن رویت نگردید. به نظر بسیاری از اهل سینما و فرهنگ، دور اندیشی و جدایی سینمای ایران از گنجینه ارزشمند ادبیات فارسی، از آسیب‌های جدی آن بوده و هست. شاید از همین روست که اوضاع فیلمنامه‌نویسی در سینمای امروز ما، به روزی افتاده که شاهدش هستیم. این ضعف مثلا در جشنواره بیست و پنجم فیلم فجر و در سال ۸۵ به حدی بود که داوران آن جشنواره، تنها دو فیلمنامه را شایسته دریافت سیمرخ بلورین بهترین فیلمنامه دانستند!



شاید لزومی به تکرار نباشد، همه اینها در زمانی اتفاق افتاد که سیل فیلم‌ها آمریکایی از آن سوی آب‌ها در کمترین زمان به کشور وارد شده و در سطحی وسیع توزیع می‌گردید. دیگر حیرت‌آور نبود که دیدیم، قسمت پنجم فیلم «هری پاتر» تنها با اختلاف چهار روز از زمان اکران عمومی‌اش در آمریکا، در گوشه خیابان‌ها و کوچه‌های شهرهای ما به فروش رسید! و همزمان با سراسر جهان، کتاب هفتمش در کتابفروشی‌های مامم عرضه شد!

مغازها و فروشگاه‌های مخصوص فرهنگ و هنر، روانه پرده‌های سینما و شبکه‌های خانگی شد و «زدان دریای کاراییب» و «هری پاتر» و… شد و رسانه ملی‌مان با افتخار خبر از نمایش فیلم «سیاه‌پدین ۳» داد ولی از اسطوره‌های ملی و دینی‌مان چه خبر!؟

از گان‌هایی مثل بنیاد فارابی با مسئولیتی‌های خاص خود و بودجه‌های کلان در این میانه چه کردند؟ فقط انتظار برای نمایش فیلم‌هایی همچون «پرس‌پولیس» و «۲۰۰۲» و… و اکتفا نمودن به صدور بیانیه و اعلامیه و خواهش و تمنا از جشنواره‌های خارجی یا در نهایت تحریم برای عدم نمایش فیلم‌های فوق کلافی بود؟!؟

سال ۱۳۸۸، باز هم جدال سینمای انقلاب و پدیده ابتدال

روند ساخت برخی فیلم‌های استاندارد و قابل قبول (اگرچه همچنان بدون برنامه خاصی) در سال ۸۸ نیز دنبال شد ولی در کنار ساخت خیل آثار مبتذل و سخیف در همان سال، کارنامه چندان درخشانی به حساب نیامد. چرا که در کنار آنها خیل پدیده‌های سوپر مبتدلی مانند «فراطی‌ها» (جهانگیر چنگیزی)، «دواج در وقت اضافه» (سعید سهیلی)، «لیمو ترش» (سید جواد رضویان)، «دستمو کن ول» (رضا قهرمانی)، «شیر و عسل» (آرش معیریان) و… از سوی مافیای حاکم بر تولید و توزیع و پخش و اکران امروز، روانه پرده‌های سینما و شبکه‌های خانگی شد.

اما در سال ۱۳۸۸ هم فیلم‌های استانداردی ساخته شدند که می‌توانستند در یک ساختار و سینمای آرمایی و آینده‌گر، با همه آنچه امروز تحت عنوان هجمه سینمای هالیوود معنا می‌کنیم، مقابله نمایند. فیلم‌هایی مانند «فوق‌ذی» (احمد کاوروی و مهدی فیوضی)، «بدرود بغداد» (مهدی نادری)، و آثار تاثیر گذاری از فیلمسازان باسابقه‌تر همچون «کیفر» (حسن فتحی)، «حلا و مس» (همایون اسعدیان)، «شب واقعه» (شهرام اسدی)، «بیداری رویاها» (محمد علی پاشه آهنگر)، «سنگ اول» (ابراهیم فروزش)، «هصر روز مهم» (مجتبی رامی) و…همچنان تماشاگر و مخاطب سینمای ایران بنا برآرمان‌ها و باورهای دینی و ملی مردم و در راستای سند چشم‌انداز ملی صورت می‌گرفت، قطعا امروز کارنامه قابل قبولی در انتظار این رسانه مهم در ایران بود.

فیلم‌های فوق اغلب در جشنواره بیست و هشتم فیلم فجر به نمایش درآمدند. جشنواره‌ای که علی‌رغم عدم تغییر رئیس دولت، بازم‌ها با مدیران و مسئولان جدید روبه‌رو بود. باز هم گویا به اصطلاح کشمینیان را سیاستی دیگر آمده بود، اگرچه بازم‌ها این مدیران ادعا کردند که جشنواره بیست و هشتم ربطی به آنها ندارد، چرا که مدعی بودند ادعا آثار شرکت‌کننده در آن، در دوران مسئولان قبلی ساخته شده اما به طور واضح و روشن، شخص معاونت سینمایی جدید یعنی جواد شمشدری (که در دوره قبلی نیز مشاور هنری رئیس‌جمهوری بود) در اغلب پروژه‌های بر سر و صدای جشنواره بیست و هشتم تاثیرگذار و بعضا برپای آنها را هدایت کرده بود.

اما از فیلم‌ها برجسته جشنواره بیست و هشتم که به طور مستقیم دستاورد معاونت سینمایی قبلی بود، چند اثر فاخر و دفاع مقدس وجود داشت که از جمله سیاست‌های مدیران قبلی به خصوص مسئولین بنیاد سینمایی فارابی ذکر شد. فیلم‌هایی مانند «ملک سلیمان» ساخته شهریار بحرانی که هزینه هنگفتی برای آن خرج شد و بخشی از یک سه گانه‌ای بود که البته قسمت‌های بعدی ساخته نشدند، «شب واقعه» ساخته شهرام اسدی درباره یکی از مقاطع و گوشه‌های پنهان جنگ تحمیلی و سال‌های دفاع مقدس، «شکارچی شبه» اثر پرویز شیخ طادی درباره سیر سلطه‌گری صهیونیسم در یک فضای استعماری و فیلم «راه ایبریم» به کارگردانی محمد بزیک که البته به جشنواره بیست و هشتم نرسید.

و در این میان فیلم «به رنگ ارغوان» ساخته ابراهیم حاتمی کیا که چند سال قبل ساخته شده و با توافق او و وزیر وقت اطلاعات، نمایش آن به زمانی مناسب موکول شد، در واقع برگ برنده یا فیلی بود که مسئولان جدید سینمایی هوا کردند و جایز اصلی جشنواره را به پای آن ریختند! فیلم درباره یک مامور اطلاعاتی بود که در میانه وظیفه و عشق و شرف و انتخاب کرد، فیلمی که ماموران وزارت اطلاعات در تقابل با تروریسم منافقین و گروهک تروریستی مجاهدین خلق را با یک زاویه یکسان در قالب دوربین قرار داده و هر دو در این تقابل در یک ترازو قرار می‌داد و سعی داشت برطرفان در میان حق و باطل قضاوت کند!

فیلمی که مسئولان جدید سینمایی هوا کردند، در واقع همین فیلم «به رنگ ارغوان» بود که گویا ظاهرا از توقیف درآمد و در مقابل، چند فیلم دیگر به محاق توقیف رفتند!!

با اینکه نوجوانان، مهم‌ترین و حساس‌ترین رده سنی هستند اما متأسفانه در ایران کمترین کار فرهنگی برای این گروه انجام شده است. در دهه ۷۰ سریال‌های چون «دنیای شیرین» و «دنیای شیرین دریا» هم درباره نوجوانان بودند و هم برای مخاطب نوجوان و می‌توانستند ذهن این طیف را صیقل دهند یا حداقل یک سرگرمی سالم و فرهنگی برای نوجوانان باشند. اما بعد از این سریال‌ها یک خلاء برای نوجوانان در حوزه سریال سازی به‌وجود آمد. فقط در سینما، چند فیلم مثل «منطقه پرواز



ارش فهیم

با اینکه نوجوانان، مهم‌ترین و حساس‌ترین رده سنی هستند اما متأسفانه در ایران کمترین کار فرهنگی برای این گروه انجام شده است. در دهه ۷۰ سریال‌های چون «دنیای شیرین» و «دنیای شیرین دریا» هم درباره نوجوانان بودند و هم برای مخاطب نوجوان و می‌توانستند ذهن این طیف را صیقل دهند یا حداقل یک سرگرمی سالم و فرهنگی برای نوجوانان باشند. اما بعد از این سریال‌ها یک خلاء برای نوجوانان در حوزه سریال سازی به‌وجود آمد. فقط در سینما، چند فیلم مثل «منطقه پرواز

با وجود گسترش رسانه‌های مجازی و جذابیت‌های فراوانی که بین مردم دارد اما کماکان هرگاه صحبت از رسانه می‌شود اولین توجه به تلویزیون است؛ برنامه‌های تلویزیونی با ویژگی‌های ساختاری و محتوایی خاص خودشان بسیار حائز اهمیت و قابل ائتنا هستند!با وجود همه‌گیری شبکه‌های اجتماعی، مطابق نظر کارشناسان رسانه، هنوز این تلویزیون است که قدرت آن را دارد تا در یک زمان معین و مشخص افراد جامعه را پیرامون اشتراکات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، ورزشی و… به گرد هم جمع و همزمان تمام نگاه‌ها را به خود مشغول کند. تقسیم احساسات و عواطف و با تعلق به امور جمعی مثل موضوعات افتخارآمیز و تعلقات تاریخی، فرهنگی، دینی و مذهبی می‌تواند حسرتی است که در لایه‌های مختلف ارتباطی و هویتی افراد در جامعه می‌توان با وجه تعلق نمادگراییانه‌ای که به موضوعات مختلف از خود نشان می‌دهند آن را مشاهده کرد.

با گسترش فضای زندگی مدرن در شهرها و تبدیل فضاهای موجود و ممکن به ساختمان و آپارتمان به‌طور جبری، خیلی از امکانات و فضاهای زیست سنتی نیز دچار دگرگونی شده و ذیل آن، بیشتر آداب و رسوم جمعی نیز که جنبه فرهنگی و تاریخی و اعتقادی داشته و یا دارند تحت تاثیر و تغییر قرار گرفته‌اند. فضای مجازی نیز در کنار این نوع سبک زندگی مدرن، توانسته است روش‌های بر گزاری آداب و آیین‌های سنتی مثل سوگاری و عزاداری را به سمت و سوی خاصی از کنش‌های اجتماعی هدایت کند که در عین حال که همگان احساس می‌کنند یک فعالیت خاص جمعی تحت شبکه اجتماعی انجام می‌دهند؛ اما به‌خاطر فردی بودن موجب فاصله گرفتن از اجتماع و فراموشی آداب و سنن و آیین‌ها می‌شود.

مسلم است که در چنین موقعیت و وضعیتی مسئولیت رسانه‌های جمعی مثل تلویزیون بیشتر شده است. رسانه‌ای‌ها یک با قابلیت که یک لحظه می‌تواند

یک جامعه آماری درباره استقبال مردم از برنامه‌های تلویزیونی در محرم منتشر شد که حاوی نکته قابل توجهی بود. مطابق این آمار بعد از «حسینیة معلی» که در رتبه اول قرار دارد، دو برنامه «سزگدشت» و «سبیم حرم» که محصول شبکه نسیم هستند در رتبه‌های دوم و سوم قرار گرفتند و توانستند نظر مخاطبان را بیش از سایر برنامه‌های مرتبطی این محرم به خود جلب کنند.

پس از آنکه نتایج این نظرسنجی، سبک‌های مجازی و فضای مجازی نیز در کنار این نوع سبک زندگی مدرن، توانسته است روش‌های بر گزاری آداب و آیین‌های سنتی مثل سوگاری و عزاداری را به سمت و سوی خاصی از کنش‌های اجتماعی هدایت کند که در عین حال که همگان احساس می‌کنند یک فعالیت خاص جمعی تحت شبکه اجتماعی انجام می‌دهند؛ اما به‌خاطر فردی بودن موجب فاصله گرفتن از اجتماع و فراموشی آداب و سنن و آیین‌ها می‌شود.

مسلم است که در چنین موقعیت و وضعیتی مسئولیت رسانه‌های جمعی مثل تلویزیون بیشتر شده است. رسانه‌ای‌ها یک با قابلیت که یک لحظه می‌تواند



نگاهی به فیلم «جن گیر»

از اسلام‌هراسی تا قدرت‌نمایی شیطان

مسیح عرفان

فیلم جن گیر (۱۹۷۳) از ویلیام فریدکین، اقتباسی از زمانی به همین نام نوشته ویلیام پیتز بلاتی بود. پیتز بلاتی فیلمنامه‌نویس جن گیر نیز بود.
فیلم ویلیام فریدکین به نظر بعضی از کارشناسان، ترسناک‌ترین اثر تاریخ سینمای هراس است.

طبق گزارش گاردین، شخصیت واقعی که در زمان فیلم جن گیر مورد اقتباس قرار گرفت است، روان‌داند ادوین‌هانلگر از مهندسین ناما بود که در سال ۲۰۲۰ فوت کرد.

در اواخر دهه چهل میلادی در آمریکا، مقاله‌ای از واشنگتن پست راجع به بعد از جن گیری از پسری با هویت نامعلوم منتشر شد که بعد از چند دهه، مشخص شد این پسر، روان‌داند هانلگر بود. دو کشیش ژرژیت گروگی از کشیش‌های مسیحی، حدود دو ماه کامل پیش پسر بودند و بعد از انجام عملیات‌های مختلف جن‌گیری، نتوانستند این موجود شیطانی را از وجود پسرک نوجوان، خارج کنند.

اما فریدکین در فیلم جن گیر به جای هانلگر، یک دختر را به ترسیم کشیده تا مظلوم بودن وی بیشتر به نظر برسد.

با توجه به ابتدا اثر بر ماجرائی واقعی و تاثیرگذاری جن گیر ویلیام فریدکین بر دهها یا شاید صدها اثری که پس از آن به موضوع جن‌گیری پرداختند، نقد این اثر هر چند پس از چند دهه، ضروری به نظر می‌رسد. جن گیر از ابتدا با شارهای ضد اسلامی، شروع می‌شود. شیطان می‌داند که با اعمال شیطانی بعضی در آمریکا ظاهر شده است.

نکته قابل توجه در ابتدای فیلم، هجوم شیطانی باستانی از مکانی عربی-اسلامی به آمریکاست، طوری که فریدکین با پخش آنان، نشان دادن اعراب مسلمان و زنان محجبه و همچنین آید تا به عنوان ریش سفید، شیطان و فضای اسلامی عراق، برقرار کند.

به تغییر استاد سعید مستغاثی، شعاری که بوش در جریان حمله به عراق بعد از یازده سپتامبر داده، که بعد برای تلویذ شیطان، وی را در خانه او نابود کند، (با نقل به مضمون) چند دهه پیش فریدکین در جن گیر همین

دهه ۷۰ روایت می‌شود و جنبه نوستالژیک دارد، چون اشاره‌هایی به بعضی از اتفاقات آن دوران و نوع زندگی مردم در آن دهه هم دارد.
برهیزر از مرکز‌گرایی و رفتن به مناطق روستایی و انتخاب مناطق سرسبز شمال کشور به عنوان موقعیت رخ دادن اتفاقات این سریال و همچنین توجه به کشتی به عنوان یکی از ورزش‌های بومی ایرانی، از ویژگی‌های خاص این سریال است «فراری» به مخاطب نوجوان خودش انگیزه و رویای قهرمان شدن می‌بخشد. البته رویارزازی در این سریال، فانتزیک و خیالی نیست،

صفحه ۸ شنبه ۱۳ مرداد ۱۴۰۳ ۲۸ محرم ۱۴۴۶ – شماره ۲۳۶۳۹



داستان، تازه از قسمت چهار به بعد شروع می‌شود. هر چند که در ادامه هم، آییندنی در روایت سریال زیاد است. با توجه به پایین بودن ملات داستانی در روایت «فراری» بهتر بود این سریال در چهار، پنج قسمت ساخته می‌شد. «فراری» هم اولین سریال «امیر داسارگر» و هم اولین گام صدلوسیما در دوره جدید برای احیاء درام نوجوانانه است. به طور طبیعی هر کار اولی به عرصه تولید، دچار اشکالاتی است. اما مهم این است که تولیدکنندگان با تعمق در این اشکالات، قدم‌های بعدی را با قدرت بیشتری

کرده است. اشاره به شخصیت‌های محبوب و قهرمانی مثل شهید ابراهیم هادی نیز از دیگر نکات قابل توجه سریال فراری است. کارگردانی حدوداً استاندارد و بازیگرانی خوب کار، فیلمنامه خام آن را جبران کرده است. در سریال «فراری» بازی نابازیگران نوجوان، چشمگیر و قوی است. به‌ویژه بازیگر نقش‌هادی که شخصیت اول سریال است، در سطح یالایی قرار دارد که نشان از توان کارگردان در هدایت بازیگران و تفهیم نقش به آن‌هاست.

فراری و بازگشت سریال نوجوانانه به تلویزیون

متأسفانه داستان این سریال شروع چندان مناسبی ندارد و خوانشی در آن زیاد است. مثلا پرداختن به مسائل محیط زیست و شکار غیرقانونی که موضوعی غیر مرتبط با داستان اصلی سریال است، باعث بریدن نفس و رمق روایت در سه قسمت اول شده است. ای کاش این موضوع در قسمت‌های میانی هدف پرداخت قرار می‌گرفت و داستان در سه قسمت اول روی قهرمان پرزای و ماجراهای شخصیت اول متمرکز می‌شد. اتفاقا ریم و روایت این سریال هرچه جلوتر می‌رود، گرم‌تر و روان‌تر می‌شود. انگار

برنامه زمان مناسب بدهد و هم به کارشناس مشهور و به اصطلاح چهره‌ای که در قسمت بعد در تأیید گفته‌های راوی، مباحث مطرح شده قبل را بازخوانی و پالایش و خوانش می‌کنند.

جست‌وجو برای یافتن نقطه عطف و نقطه مشترک بین روایت راوی شب اول که سوزه اصلی برنامه با وجه اجتماعی است و مباحث مطرح شده شخص مشهور و چهره از جذابیت‌های انطباق رفتاری ارادتمندان ابابیدالله(ع) است که تهیه‌کننده برنامه محسن نخعی سالاری و کارگردان آن محمد پیوندی تلاش دارند آن مدافع حرم بدهد و وجود بیابوزن و مهمانان را نیز دست خالی راهی نمی‌کنند؛ بلکه، با کوله‌ای که نماد مسافرتین ارمنین تحت مهمانان خود را تزییب می‌کند تا راهی این سفر معنوی شوند.

برنامه «سبیم حرم» با تشخیص بخشی به موضوع عرض ارادت و اشتیاق به ساحت مقدس امام حسین(ع) دقیقاً در هر نیمه شب دهه اول محرم به روی آنتن رفت و با حضور مداحان و کارشناسان مذهبی مورد وثوق مردم، به تکریم و تحلیل مادران شهیدان پرداخت. در این برنامه هم موضوع شهادت به ویژه ایثار مادران شهیدی مدافع حرم برجسته و خاصیت اخلاقی و رفتاری شهیدا نیز بازخوانی شد که دقیقاً انطباق با روضه‌هایی داشت که به صورت آرشیبو با صدای مادحین از دنیا سفر کرده، در آیتن دیگر پخش می‌شد.

«ن لحظه» (جن حسین(ع) از دوست دارم»، «سبیم اوآ» و چند برنامه دیگر از جمله برنامه‌های محرمی شبکه نسیم هستند که توانستند این شبکه را در روزهای که ایم سوگ و عزاداری سیدالشهدا(ع) است به یک تجلی واقعی از یک حسینیه با تکیه بر عزاداری امام حسین(ع) برسانند و شاهد بودیم که شبکه نسیم آنچه را که باید در خصوص حوزه فرهنگ و مذهب چه با در نظر گرفتن تأثیرات اقشار و گروه‌های مختلف و چه با پرداختن به تاریخ و توجه کارشناسان حوزه‌های مختلف به جا آورد.

شیاطین و دور شدن فرشتگان است. طبیعتاً بر اثر دوری جوامع غربی از سبک زندگی دینی و رواج یافتن انواع و اقسام کارهای زندگی مردم حضور پیدا کرده و ممکن است کار به حلول‌های این چنینی نیز بکشد. اما ریشه این مسائل، دعوت خود انسان است و بدون تحول عملی به واسطه گناهان و اعمال پلید.

شیاطین دعوت می‌کنند جن‌گیر بر انسان‌ها تسلط ندراند. مجموعه دستورات الهی و ادعیه، که از بیدار شدن تا خواب در ادبر می‌گیرد خود به خود این فرمولیگان را دور کرده و حفاظت از جن در مقابل شیطانی ایجاد می‌کند. **جن‌گیر و نتیجه‌گیری**

فیلم جن گیر با افراتر در قدرت شیاطین و وارونه جلوه دادن عملیات جن‌گیری، سبکی دارد جهانی را ترسیم کند که گویا خاص‌ای غرب (اگر وجود داشته باشد) آن‌ها را رها کرده و کلیسای سکولار و منفصل بدون دعوت عملی به واسطه گناهان و اعمال پلید، شیاطین تمام قدرت می‌کنند. اما در فیلم مجموعه دستورات الهی و ادعیه، که از بیدار شدن تا خواب در ادبر می‌گیرد خود به خود این فرمولیگان را دور کرده و حفاظت از جن در مقابل شیطانی ایجاد می‌کند. **جن‌گیر و نتیجه‌گیری**

فیلم جن گیر با افراتر در قدرت شیاطین و وارونه جلوه دادن عملیات جن‌گیری، سبکی دارد جهانی را ترسیم کند که گویا خاص‌ای غرب (اگر وجود داشته باشد) آن‌ها را رها کرده و کلیسای سکولار و منفصل بدون افاضه خواندن، نمی‌تواند قدم قدم بردارد. ابلیس لعین که بزرگ شیاطین جنی است برای اغواء بندگان انسان، از درگاه الهی اجازه می‌پرسد، اما درهالیوود، مردان خدا در مقابل یک شیطان قلع و قمع می‌شوند. مسئله دیگر، حلول شیاطین جنی در کالبد آدمی است. در فرهنگ غربی، جن یکی از اقسام شیاطین ماورای را که به شمار می‌رود، اما در نگاه اسلامی، موجوداتی برای اختیار که انسان و فرشته نیندند و خلقتی ناری دارند، جن نامیده می‌شوند. جنیان اقسام مختلفی داشته و مثل انسان‌ها، مؤمن و کافر دارند. جنیان کافر، حق را می‌شناسند و با آن مبارزه می‌کنند. مثل انسان‌های کافر که ربه‌یور حق می‌ایستند. بدلیل ضعف وجودی

جن‌گیر حمایت کرد، اما این فیلم مطمئناً در راستای اهداف کلیسا ساخته نشده و مطلقاً تاریک از آثاری بود که توانست قدرت شیطان را روی پرده نقره‌ای به رخ جهانیان بکشد. هرچند آیین تحریف‌شده مسیحیت و افعال کلیسای کاتولیک در قبال گسترش فساد در جامعه، قابل دفاع نیست، اما فیلم‌هایی مثل جن گیر به بهانه دفع مسیحیت، یکسره ادیان الهی را ناکارآمد جلوه می‌دهند.

جن‌گیر زندگی کریس، یک سبلیریتی سینما را روایت می‌کند که با حلول شیطانی باستانی در کالبد دخترش، آرامش خود را در گرو پناه بردن به جن‌گیران کلیسا می‌بیند. در پایان فیلم (تسخه طولانی‌تر) شاهد هستیم که گردنبد کشیش دیمین به کریس داده می‌شود تا یاد و خاطره وی زنده بماند؛ اما اثر بدلیل ضعف در پرداخت شخصیت‌ها، در جمله پدر دیمین (رابله) او با مادرش درست ترسیم نمی‌شود و ما نمی‌فهمیم چرا باید مادرش را در خانه سالمندان بگذارد تا در تنهاتی بمرد. کریس هم ظاهراً با کسی وارد رابطه شده اما جز نام جایلوگ، روابط دوستانه و احساسی وی در اثر دیده نمی‌شود. ریگان نیز جز در خانه خودش ندارد و فیلم نمی‌تواند یک دختر بچه مظلوم را بسازد. لذا مخاطب به شخصیت‌ها خیلی نزدیک نمی‌شود و احساس هم‌ذات‌پنداری می‌کند. نمی‌تواند ما را با وی همراه سازد و نزدیک کند.

این موجودات فرومایه، انسان‌ها را ارتباط با جنیان منع

می‌گذارند، باید حال در مقابل شیطان بایستد.

پدر مرین هم که در ابتدای فیلم در عراق مشغول کار پژوهشی بود به آمریکا بازگشته و با راهنمایی سفید، به کمک پدر دیمین می‌آید تا به عنوان ریش سفید، بتواند مراسم جن‌گیری را به نحو احسن انجام دهد. اما علی‌رغم پوششیدن لباس‌های خاص، استفاده از آب مقدس و خواندن دعاهای مختلف، پدر مرین توسط شیطان وی در جسم زنده‌ای مخلوق کرده کشته می‌شود. و پدر دیمین هم که به عجز خود درمقابل این شیطان



مناسب نیست و شب و با نوسختی‌های نجس می‌گذارند، باید حال در مقابل شیطان بایستد. پدر مرین هم که در ابتدای فیلم در عراق مشغول کار پژوهشی بود به آمریکا بازگشته و با راهنمایی سفید، به کمک پدر دیمین می‌آید تا به عنوان ریش سفید، بتواند مراسم جن‌گیری را به نحو احسن انجام دهد. اما علی‌رغم پوششیدن لباس‌های خاص، استفاده از آب مقدس و خواندن دعاهای مختلف، پدر مرین توسط شیطان وی در جسم زنده‌ای مخلوق کرده کشته می‌شود. و پدر دیمین هم که به عجز خود درمقابل این شیطان